

پرده نقره‌ای

اختلاف بر سر پرونده مهناز افشار



دادسرای فرهنگ و رسانه و دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بابل، بر سر رسیدگی به پرونده مهناز افشار که اخیراً آشکایت یک طلبه‌مازندرانی تشکیل شده، به اختلاف خوردند. دادسرای ویژه نیابت به‌عنوان مجری، طبق قانون مکلف به‌اجرای درخواست نیابت صادره از دادسرای بابل بود اما در اقدامی عجیب موضوع را با این استدلال که مهناز افشار یک چهره شناخته شده‌است، به دادسرای فرهنگ و رسانه‌را جاع می‌دهد تا رسیدگی به پرونده وی در آن دادسر انجام شود. از پیش هم با اعلام جرم یک شخص حقیقی در بابل علیه مهناز افشار به‌خاطر اقدامات او در فضای مجازی، پرونده‌ای تشکیل و برای رسیدگی به دادسرای فرهنگ و رسانه‌را جاع شده بود. نکته جالب این است که پس از ارسال پرونده از دادسرای ویژه نیابت به دادسرای فرهنگ و رسانه، شعبه دادسرای مذکور با این استدلال که دادسرای بابل صلاحیت رسیدگی به این موضوع را ندارد، درخواست نیابت را بازمی‌گرداند؛ این در حالی است که وقتی یک مرجع قضایی درخواست نیابت صادر می‌کند، مرجع قضایی مجری نیابت، مکلف به‌انجام آن است.

■ ■ ■

افت ۳۰ درصدی فروش فیلم‌ها در رمضان ۹۸

رئیس انجمن سینماداران با اشاره به وضعیت اکران فیلم‌ها در ماه مبارک رمضان در سال ۹۸ گفت:متأسفانه بر خلاف آنچه که تصور و برنامهریزی می‌شد؛ فیلم‌های اکران دوم در فروش تاامروز موفق نبودند و نتوانستند مخاطبان را به‌سینماجذب کنند. محمدقاصداشرافی ادامه داد:بجز فیلم سامورایی در برلین، پنج فیلم دیگر حتی نتوانستند حدود سه تا چهار درصد مخاطبان فعلی سینما را جذب کنند. البته نمی‌توان تمامی تقصیرها را به گردن کیفیت فیلم‌ها انداخت. او ادامه داد: میزان فروش فیلم‌ها در ماه مبارک رمضان در سال ۹۸ نسبت به مدت مشابه در سال ۹۷ حدود ۳۰ درصدافت داشته که این میزان افت بسیار بالاست و حتی در نحوه مدیریت سالن‌های سینمایی و پوشش هزینه‌های آنها تأثیر مستقیم گذاشته و آن را با مشکل مواجه کرده است. فیلم سینمایی «تولد مبارک» به کارگردانی سمیه زارعی نزاد پس از نزدیک به ۱۰ روز اکران در سینمایافروشی معادل ۹ میلیون تومان روبرو شده که بدون شک شکستی بزرگ در گیشه محسوب می‌شود.

■ ■ ■

سقوط آزاد محمد رضا فروتن در گیشه سینما



فروتن که پیشتر آثاری همچون شب پلدا، سربازان جمعه، زیر پوست شهر، اعتراض، دو زن، قرمز، متولد ماه مهر، به اهنستگی، کنعان و چهل سالگی را در کارنامه دارد اکنون به شدت از دوران اوج خود فاصله گرفته و به آثاری همچون خنده‌های آتوسا، مرداد، متروپل و تولدت مبارک اکتفا می‌کند. البته این روزها فروتن برای جبران عدم موفقیت خود در سینما راهی شبکه نمایش خانگی و بازی در سریال‌های این شبکه شده است. وی هم اکنون مشغول بازی در سریال «مانکن» است. اثری به کارگردانی سعید سهیلی زاده که فروتن در آن نقش یک بازیگر می‌کند. همچنین صحبت‌هایی در خصوص پیوستن وی به سریال «دل» به کارگردانی منوچهر هادی نیز به گوش می‌رسد، اما همچنان اخبار دقیقی از روند ساخت این اثر منتشر نشده و «مانکن» قطعی‌ترین گزینه فروتن برای بازگشت به سینما است.

کیارستمی ۸ بار در بخش‌های مختلف جشنواره کن شرکت کرد

به‌عنوان تنها فیلمساز ایرانی برنده جایزه نخل طلای کن (تا آن زمان) به ثبت رساند. او جایزه نخل طلا را سال ۱۹۹۷ برای فیلم «طعم گیلان» برنده شد

نداشته، بر خلاف آنچه که درباره پناهی داغمارخ می‌دهد، یعنی کن نشین‌ها آثار او را می‌پسندند، آخرین مورد از حضور پررنگ ایرانی‌ها در کن مربوط به پناهی و فیلم «سه رخ» است، جالب است که در همان دوره فرهادی هم با «همه می‌دانند» در کن بود اما دستاوردی نداشت.

پناهی اما به همراه نادى ساعى و، برای فیلم «سه‌رخ» جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره فیلم کن را دریافت کرد، او البته نتوانست به کن برود و دخترش این جایزه را به جای پدر دریافت کرد و ضمن تشکر از هیئت داوران و دبیر جشنواره فیلم کن، نامه جعفر پناهی را اقرائت کرد. پناهی در این نامه یادعباس کیارستمی را گرمی داشت و ابراز تأسف کرد که امروز عباس کیارستمی در جمع هنرمندان حضور ندارد.

چون «بیوه‌مانگ»، «زمانی برای مستی اسب‌ها»، «فصل کرگدن» و ... را در کارنامه کاری خود دارد در بخش نوعی نگاه به‌نمایش درآمدو جایزه ویژه بخش نوعی نگاه و جایزه منتقدان فرانسوی را به دست آورد، فیلم البته در ایران اکران نشد، اما سسی دی‌هایش را تمام دستفروشان شهرداشتن و همه آن‌هایی که با موسیقی انس و الفت داشتند فیلم را دیدند. سال ۲۰۱۱ بود که در پی محکومیت «جعفر پناهی» و «محمد رسول‌اف» در ایران، این جشنواره نه تنها از این دو به عنوان میهمانان ویژه خود نام می‌برد، بلکه فیلم «به امید دیدار» ساخته «رسول اف» را در بخش دو هفته با کارگردانان و فیلم «این یک فیلم نیست» ساخته «پناهی» را به صورت ویژه به نمایش درمی‌آورد. همچنین «ژیل ژاکوب»، رئیس جشنواره کن اعلام کرد که «پناهی» از نظر آنان یکی از اعضای هیات داوران جشنواره کن است که در آن سال به جای او صدلی خالی خواهند گذاشت.

اصغر فرهادی دوباره جعفر پناهی

فرهادی هم پیش به کن باز شده، البته نه از سمت ایران بلکه با فیلم گذشته و به‌عنوان نماینده فرانسوی‌ها، به هر حال فرهادی در حال حاضر شناخته‌شده‌ترین فیلمساز ایرانی در خارج از کشور است اما ظاهراً خیلی مورد توجه سبک و سیاق کن نبوده و همان گذشته هم دستاورد خاصی

فیلمسازانی هستند که آثارشان همواره مورد توجه جشنواره کن بوده است. «مخملیاف» پدر، تاکنون ۵ بار در این جشنواره حضور یافته و سال ۲۰۰۱ که سنینمای ایران حضور پررنگی در جشنواره کن داشت نیز با فیلم «سفر قندهار» در بخش مسابقه حضور یافت و جایزه کلیسای جهانی را دریافت کرد. دخترش سمیرا مخملیاف هم طی ۳ بار حضور در این رقابت‌ها را تجربه کرده است و در سال ۲۰۰۰ برای فیلم «تخته سیاه» برنده جایزه ویژه هیات داوران شد.

جعفر پناهی و موردعجیب پرسپولیس

قبادی، میرکریمی و... طی چند سال حضور جسته و گریخته‌ای در کن داشتند تا این که نوبت «طلای سرخ» جعفر پناهی شد. فیلم پناهی در بخش نوعی نگاه شرکت کرد و برنده جایزه ویژه هیات داوران جشنواره کن شد، البته در این سال «کیارستمی» نیز یکی از اعضای هیات داوران بخش اصلی جشنواره کن بود.

در سال ۲۰۰۷ هم‌زمان با برگزاری شصتمین سال تولد جشنواره کن، فیلم «پرسپولیس» ساخته «مرحانه سساترایی» و همکار فرانسوی‌اش در بخش مسابقه این جشنواره پذیرفته می‌شود و جایزه ویژه هیات داوران به آن تعلق می‌گیرد. چند سال بعد، فیلم «کسی از گربه‌های ایرانی خبر ندارد» ساخته «بهمن قبادی» که فیلم‌هایی



این ارتباط شد. طی سال‌های بعد، کیارستمی ۸ بار در بخش‌های مختلف جشنواره کن شرکت کرد و در این میان نام خود را به‌عنوان تنها فیلمساز ایرانی برنده جایزه نخل طلای کن (تا آن زمان) به ثبت رساند. او جایزه نخل طلا را سال ۱۹۹۷ برای فیلم «طعم گیلان» برنده شد. «طعم گیلان»

داستان مردی است که در حومه شهر تهران، با اتومبیلی دنبال کسی می‌گردد که تقاضای پر در دسر او را درازی دریافت ۲۰۰ هزار تومان پول انجام دهد. «محسن مخملباف» و دخترش «سمیرا مخملباف» دیگر

کن می‌پردازیم؛ به‌طور خاص در سال‌های پس از انقلاب.

هشت سال کیارستمی و ورود مخملباف‌ها

پس از انقلاب و در سسی و سومین دوره جشنواره کن «چریکه‌تارا» ساخته «بهرام بیضایی» در بخش نوعی نگاه جشنواره کن به نمایش درآمد، نکته این که فیلم در ایران توقیف شد و به نمایش درنیامد. بعدتر رابطه سینمای ایران برای ۱۰ سال با جشنواره کن به‌طور کلی قطع شد، ولی در سال ۱۹۹۱ این «خسرو سینایی» بود که با فیلم «در کوچه‌های عشق» آغازگر

آبان نامجو

امسال خبری از ایرانی‌ها در کن نیست، فقط گلشیفته فراهانی هست که البته حضورش به نمایشی از جایی دیگر است و نمادین و رسمی تلقی نمی‌شود.

اما در همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخیده و روزگاری نه چندان دور ما پیگیر فیلم‌های ایرانی کن بودیم بیشتر از آن که پیگیر کیفیت فیلم تازه جیم جارموش و یا پدرو المادوار باشیم. در این گزارش کوتاه به نقاط عطف سینمای ایران در

نقد

چگونه یک مستند داستان گو هم هست؟

در جست‌وجوی فریده، سورپرایز هنر و تجربه

ایمان عبدلی

وضعیت اکران سینمای ایران غم‌انگیز است، اصلاً مگر می‌شود سینما را از کلیت یک جامعه جدا کرد؟ سینما هم مثل بقیه حوزه‌ها حال و روز خوشی ندارد، پس اگر فیلم خوبی برای تماشا پیدانی شود، اتفاق خیلی بعیدی نیافتاده. فعلاً این حال و روز ماست. شاید با خودتان بگویید پس این وسط نقش آدم‌هایی چون نگارنده چیست؟ حق دارید خب! امثال من باید بگره‌بیم در این بلبشو چیزی پیدا کنیم و پیشنهاد بدهیم که خیر آخرت اگر در آن نیست، خیر دنیا باشد، «در جست‌وجوی فریده» در گروه هنر و تجربه اکران شده، اما بر خلاف ذهنیتی که از فیلم‌های هنر و تجربه داریم، این داستانی‌ترین فیلم‌روی پرده است. بر اساس داستان؛ فریده که ۴۰ سال پیش در حرم امام رضا (ع) رها شده، توسط یک خانواده هلندی به سرپرستی پدررفته‌و به آمستردام

یادداشت

«به دنیا آمدن»

نبردی میان آدمی با آدمیت

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

فیلم سینمایی «به دنیا آمدن» به نویسندگی و کارگردانی محسن عبدالوهاب به زندگی روزمره جامعه برمی‌گردد و در زمره فیلم‌های رئالیستی اجتماعی است که داستان آنها هشداری نسبت به بسیاری از معضلات و اتفاقات اجتماعی به حساب می‌آید. بطور خلاصه می‌توان گفت فرهاد و پری زوج میان‌سال‌ای از قشر متوسط هستند که با فعالیت‌های هنری و فرهنگی روزگار می‌گذرانند. فرهاد فیلمساز است و پری بازیگر تئاتر. فرزندی ناخواسته با به دنیای آنها می‌گذارد. فرهاد به دلیل مشکلات مالی و اجتماعی مخالف حضور فرزند دیگری در

برده می‌شود. او ۴۰ سال در آنچازندگی می‌کند تا این که تصمیم می‌گیرد به سرزمین مبداء برگردد، درونمایه مستند و البته پلات فیلم‌نامه آشناست گمگشته‌ای در پی یافتن هویت واقعی، اما اتفاقاً در جست‌وجوی فریده از همین جابه‌جاده تازه‌نشان می‌دهد که موفق می‌شود، داستان تکراری‌اش را از زاویه‌ای تعریف کند که تازه‌نشان می‌دهد.

در دقایق ابتدایی مابا فریده آمستردام آشنای شویم، در یکی از آزادترین شهرهای اروپا و حتی جهان، تاکید روی زنگی‌های فریده و زندگی آزاد اوست. در واقع تاکید روی دو جنبه از شخصیت اوست که بعدتر به کار پرداخت داستان می‌آید؛ یکی این که او در مکن‌ت است، اما دغدغه هویت دارد، دیگری این که خط تقابل هر چند کم‌رنگ میان آمستردام و مشهد ایجاد می‌شود؛ فراموش نکنیم که تضاد مایه کار درام است.

داستان جلوتر می‌رود، حالا با فریده انس گرفته‌ایم، انگیزه‌اش

باشد که چالش‌های فراوانی را در ذهن تماشاکر ایجاد می‌کند تا به عمیق‌ترین لایه‌های پیرامون موضوع بچه‌دار شدن، مسئولیت‌پذیری و عدم مسئولیت در یک خانواده تفکر شود.

از منظر روانشناسی آنچه از فیلم «به دنیا آمدن» برداشت می‌شود وجود تقابل میان دیدگاه‌های زن و مردیست که از دو پایگاه اقتصادی و اجتماعی متفاوت می‌آیند. تقابلی نه چندان آرام که منطق و احساس را به چالش می‌کشد. به عبارتی این فیلم بخوبی زوجی را نشان می‌دهد که با وجود زندگی مشترک چهارده ساله و فرزندی دیگر هنوز هم بر سر موضوعات مهمی همچون بچه‌دار شدن دارای دغدغه‌های ریز و درشت بسیاری هستند. شخصیت «پری» باتوجه به آنکه بازیگر توانمند تئاتر و سینما است، حاضر است مادر شدن را برای دومین بار لمس و تجربه کند و برخلاف نگرش همسرش درباره حضور فرزند

و حالا چشمان ناظر و مبهور دارد، بن‌مایه فلسفی داستان فقط آن مساله گمگشتگی و هویت نیست، یک لایه دیگر که برداریم حالا مساله تاحدی رفتارشناسی و جامعه‌شناسی مردمی است که روزی بخشی از خودشان را گم می‌کنند و بعد با هویت ناقص و در مانده به‌جان یکدیگر می‌افتند.

به تعبیری نمادین و شاید هم کهنه این گرته‌ای از سرنوشت یک مردم است که بخشی از هویتش را جایی جا گذاشته و حالا دائم تاوان غفلت در گذشته‌اش را می‌دهد. به‌طور آشکار در تمام سکانس‌هایی که گمان می‌کنیم یکی از سه خانواده، گمشده واقعی فریده است حس‌ی از شوق و حسرت را توامی می‌بینیم! خانواده در حسرت چیزی هستند که روزی با دست خودشان از دست داده‌اند و حالا شوق دارند گناه گذشته را پاک کنند. ما کجای تاریخ اشتباه کرده‌ایم؟ کدام گناه گذشته گریبان ما را رها نمی‌کند؟ چقدر همه ما فریده‌ایم وقتی که عاقبت گمشده پیدا نمی‌شود، اما دل‌خوش می‌ماند که عقبه‌اش را شناخته، برمی‌گردد به آمستردام، به زندگی فعلی‌اش البته با وجودی که حالا به جایی در این دنیا وصل شده، ما همه وصلیم اما این کافی نیست و فقط لازم است.



را در کمی کنیم و با و به ایران می‌آییم، به مذهبی‌ترین شهر ایران، هر سه خانواده‌ای که مدعی تملک فریده‌اند، ساکن مشهد و یا اطراف این شهر هستند، وارد دنیای تضادهای شویم، غم‌فقدان و وطن‌تضاد ما لمغمه‌ای می‌سازد که یک لحظه می‌خنداند و لحظه‌ای دیگر اشک به چشم می‌آورد. چنان‌آینه‌ای پیش‌رو، هر سه خانواده انگار خود ما را نشان می‌دهند. نوعی صمیمیت که هر لحظه‌بیم‌فروپاشی‌اش می‌رود. نوعی عشق‌ورزی که پشتش هزار و یک تردید دارد. در فریده اما آن خود ماست که از محیط جدا بوده

یکدیگر به صحبت و گفتگو بپردازند. از منظر روانشناسی باید خاطر نشان کرد در زندگی زناشویی، ناهماهنگی همسران برای زمان بچه‌دار شدن مساله مهمی تلقی می‌شود که باید به‌صورت اصولی به این موضوع پرداخته شود. برای حل این تعارض، زوجین باید در ابتدا به شناخت معیارها و زمینه‌هایی بپردازند که با رعایت آنها هر یک از طرفین بتوانند آمادگی و تمایل به بچه‌دار شدن را در درون خود احساس کنند. با شناخت این معیارها، درک درستی از درونیات هر یک از زوجین شکل می‌گیرد که امکان هماهنگی با یکدیگر را فراهم می‌کند. البته زمینه‌های آمادگی و تمایل به بچه‌دار شدن تحت تأثیر عوامل مختلفی چون مساله اقتصادی، آمادگی جسمانی و روانشناختی است که حتماً از سوی زوجین باید مورد توجه قرار گیرد تا هر یک بتوانند مسئولیت‌های خود را با آمادگی، علاقه و عشق بیشتر در قبال فرزند جدید به فرجام برسانند.